

بهاء الدین اربلی

بهاء الدین علی بن عیسی اربلی یکی از دانشمندان بنام شیعه در اواخر قرن هفتم بشازمیرود که بواسطه تألیف کتاب نفیس «کشف الغم» نزد اهل خاص شهرت بسزائی پیدا کرده است.

اربلی اصلاً از مردم شهر تاریخی «اربیل» واقع در نزدیکی موصل عراق میباشد و در بک خانوادۀ کرد شیعه بوجود آمده است.

وی علوم مقدماتی را در اربیل آموخته و وقت وحدیث را در بغداد همانجا نزد دانشمندان شیعی و سنی تکمیل نمود تا آنکه در علوم پادشاه بمقام عالی رسید.

وی همچنان در شهر اربیل بسر میبرد ولی چون آن شهر مورد هجوم و محاصره لشکر هلاکوخان مغول واقع شد از آنجا کوچید و به بغداد آمد و چنانکه خواهیم گفت متصدی امور دیوان بغداد گردید.

شهر اربیل زادگاه وی

باقرت مورخ در «معجم البلدان» مینویسد: «اربیل بکسر هاء» و سکون راء و کسر باء شهر بزرگی واقع در فضای زمین وسیعی است و دارای قلعه محکم است که عندئذ عیقلی آنرا احاطه نموده و دیوار شهر از میان آن میگردد.

قلعه مزبور بر روی تلی بزرگی از خاک، قرار دارد و بازارها و منازلی برای رعایا در آن بوجود آورده اند. این قلعه شیعه حاکم است ولی بزرگتر و وسیع تر از قلعه حلب میباشد.

این شهر را مؤلف معجم البلدان که خود از دانشمندان نیه اول همین قرن است و بسال ۶۲۶ وفات یافته، بدینگونه که از نظر خواننده گان گذشت توصیف کرده است. همچنین خواجه رشیدالدین فضل الله در کتاب «جامع التواریخ» مینویسد قلعه اربیل «قلعه ایست برخاکتدیر محکم نهاده که در ربع مسکون نظیر ندارد» (۱).

باری شهر و قلعه اربیل در سال ۶۵۷ هجری بمذاب فتح بغداد توسط هلاکوخان

مغول مورد هجوم سیاه مغول واقع شد. در آن موقع حکمران شهر، تاج الدین محمد بن نصر معروف به ابن صلابه حسنی بود. چون مغول لشکر بآنها کشید. مدافعین شهر که همه از کردان دایر بودند بناه قلعه مزبور برده و بهمانه پرداختند. مغولان به تاج الدین ابن صلابه حاکم اربیل دستور دادند که امر کند جنگجویان قلعه را تسلیم کنند این صلابه هم بطرف قلعه رفت و از جنگجویان خواست که تسلیم شوند ولی آنها پذیرفته و همچنان بمقاوم پرداختند تا سرانجام داخل قلعه شیی غرود آمدند و بر مغول شیبخون زده چندان که با آنها شکستند و آتش در متعینها زدند و بسوختند و قلعه اوردند. مغولان هم تاج الدین ابن صلابه را زنده لاکو برده و بدستور وی قتل رساندند» (۱)

در این تواریخ است که می بینیم بهاء الدین اربلی از اربل به مهاجرت نموده و به بغداد آمده است مطابق نوشته ابن شاکر کتبی در «نواف الوفيات» عیسی بدوی والی اربل بوده و خود وی نیز از فرسا بشازمیر آمده و منشی تاج الدین ابن صلابه بوده است.

ولی بعد از حمله مغول و کشته شدن ابن صلابه، اربلی نیز به بغداد آمده و نظیر بموقبت و فضل و دانش و سابقه ای که در امور دیوان حکومت داشته، از طرف عطا ملک جوینی که در آن زمان حکمران بغداد و بصره و خوزستان بوده؛ بدست منشی دیوان منصوب گشت و مشغول کاری میشود.

اربلی در بغداد

اربلی از آن پس که در دیوان بغداد مشغول کار شد، از فرصتی که در آن دوران تاریک نصیبش شده بود؛ استفاده نموده به تألیف چند اثر نفیس پرداخت که اینک از آنها پررهای شیعه است.

هر چند عطا ملک جوینی مؤلف تاریخی «جهان گشا» پیرو مذهب تسنن بوده ولی نظر باینکه حمله مغول اوضاع ممالک اسلامی را در هم ریخته و بسیاری از رجال شایسته از میان رفته بود، دیگر آن تصدیقات مذهبی که مخصوصاً اهل تسنن در زمان خلفای بنی عباس نسبت بشعیان ابراز می داشتند؛ اثر خود را از دست داده و شیعیان توانستند آزادانه به نشر عقاید خود پرداخته و حتی در امور مملکتی راه یابند. بخصوص که در آن روزگار بزرگترین و زنده علمی و شخصیت نامی عصر، فیلسوف بزرگ شیعه خواجه صیر الدین طوسی بود، وجود خواجه در رأس دانشمندان اسلام در دولت مغول موجب شد که دانشمندان شیعه بموقبت و احترام فوق العاده ای پیدا کنند. چنانکه می بینیم این بیستم بهرینی دانشمند بزرگ شیعه مورد توجه خاص عطا ملک جوینی واقع میشود و به تشویق و اشاره او، کتاب «شرح نهج البلاغه» خود را مینویسد و عماد الدین طبرسی دانشمند دیگر شیعه بدعوت خواجه بهاء الدین صاحب دیوان حاکم اصفهان بآن شهر می رود و کتاب «کامل بهائی» را بنام وی تألیف مینماید

یاسید بن عمارس ببقام نفايت كل ملك اسلامى منصوب ميگردد .

واذ جمله بهاء الدين اربلي در بغداد دعوت بكار شده و بسمت معاونت عطا ملك و منشي ديوان مشغول كار ميشود باري اربلي در تمام دوران حكومت عطا ملك با كمال احترام ميزيست و بعد از او نيز كه در سال ۶۸۱ در گذشت همچنان در كار خود باقى بود ، و يكي از رجال صاحب نفوذ و باحشمت و داراي مكارم اخلاق و اوصاف حميده بشمار ميآمد (۱) .
ولي در سال ۶۸۸ كه سعدالدوله يهودى بوزارت ارغون خان پسر هلاكو خان رسيد ، اربلي نيز از كار بر كنار شد .

چه كه در آن روز كار بسيارى از رجال مملكت و شخصيتهاى اسلامى از جمله فرزندان خواجه محمد صاحب الدبوان برادر عطا ملك كه وزير هلاكو خان بود ، همه يا حريك و سعادت سعدالدوله يهودى كشته شدند ، و در هر شهورى حكام مسلمين معزول يا مقتول كشته شخصى يهودى جاي او را گرفت از جمله بهاء الدين اربلي نيز در اين دوره معزول ولي خوشبختانه از خطر مرگ اجابت و بعد از سقوط سعدالدوله و قتل وي مجدداً كارش بالا گرفت تا در سال ۶۹۳ در بغداد بدرود حيات گفت و همانجا مدفون گرديد .

محدث عالي مقام شيخ حر عاملي در كتاب «امل الآمل» مينويسد : بهاء الدين علي بن عيسى اربلي دانشمندی فاضل ، و محدثي موق ، و شاعري ادبي نويسنده و جامع فضائل و خوبها بوده . او را ست ناليفاني كه از جمله «كشف الغم في معرفة الائمة» ميباشد . كتابي نيكواست . اربلي آن را در سال ۶۸۷ تاليف نموده است ، ديگر از تاليفات اربلي كتاب «المقاتلات الاربع» و «رسالة الطيف» ميباشد .

كتاب كشف الغم

بهترين و معروفترين آثار اربلي هب ان كتاب «كشف الغم» است اين كتاب مشتمل بر تاريخ چهارده مضموم عليهم السلام و مناقب و فضائل آن ذوات مقدسه است . سبك انشاء و تاليف آن بسيار عالي و مخصوصاً از لحاظ نقل مطالب نسبت بكتب مشابه خود داراي امتياز مخصوص است وى در اين كتاب بسيارى از روايات مربوطه را از استادان خود كه جمعي از آنها از دانشمندان اهل تسنن بوده اند شنيده يا درس گرفته با مشخصات آن آورده است كه از اين نظر هم مشتمل بر مباحث رجالي و تاريخي دقيقى ميباشد .

كشف الغم از زمان تاليف همواره مورد توجه خاص دانشمندان شيعة و سني بوده و يكي از مدارك معتبر بشمار آمده است . اين كتاب اخيراً با ترجمه فارسي چاپ شده و هم در چهار مجلد و زبيري با طرزي دلپذير طبع حرفي شده معالاه اين كتاب را بدانشمندان و خوانندگان روشندل توصيه ميكنم .